



An Approach to the Dimensions of the Influence of the Teachings of the Infallible Imams (AS) on the Role of Kufa in Islamic Civilization

²Seyed Aleddin Shahrokhi

Professor of History, Lorestan University (supervising professor)

shahrokhi.a@lu.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-9041-1281>

⁴Mojtaba Garavand

Associate Professor of History, Lorestan University (Assistant Professor)

garavand.m@lu.ac.ir

¹Jasim Mohammed Abdullah-

PhD student in Islamic History, Lorestan University

jasemmohammed516@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0007-2231-9310>

³Daryush Nazari

Associate Professor of History, Lorestan University (Assistant Professor)

nazari.d@lu.ac.ir

Received: Mar. 1, 2026

Revised Apr. 2, 2026

Accepted Apr.21, 2026

Online October1, 2026

ABSTRACT

As one of the most important centers established in the early Islamic conquests, the city of Kufa provided a favorable environment for the interaction of religious teachings, political structures, and social developments. This study, with a descriptive-analytical and historical approach, examines the multifaceted role of the teachings of the Ahl al-Bayt (AS) - considering the important role of spiritual guiding wills in the formation of civilizations - in the city of Kufa in shaping the civilizational infrastructure of Islam; this issue, despite its great importance, has unfortunately received little attention so far.

The findings of the present study indicate that, under the guidance of the Ahl al-Bayt (a.s.), Kufa was transformed from a military base into a workshop for producing the fundamental ideas of a pure Islamic civilization and an intellectual, cultural, ideological, and civilizational hub for the teachings of the Ahl al-Bayt (a.s.), a center of education, and established the Kufa scientific school, which guaranteed the stability and intellectual depth of Islamic civilization. Amir al-Mu'minin Ali (AS) with his scientific approach and governance model based on divine justice, the dignity of citizenship, and the necessity of public oversight, Imam Hussein (AS)'s protest identity in transforming teachings into a driving force for resistance against oppression and creating an identity based on martyrdom, along with the scientific institutionalization and establishment of jurisprudential principles by subsequent Imams, led to the compilation of jurisprudence, theology, and ethical principles, which later became the backbone of Islamic civilization and played an important role in the formation of ideas, jurisprudential, interpretive, and philosophical schools.

Keywords:

Holy Quran, Infallible Imams (AS), Kufa, Islamic civilization.

مدخل إلى أبعاد تأثير تعاليم الأئمة المعصومين (عليهم السلام) على دور الكوفة في الحضارة الإسلامية

رهيافتی بر ابعاد تأثير آموزه های امامان معصوم (ع) در نقش کوفه در تمدن اسلامی

¹جاسم محمد عبدالله

طالب دكتوراه تاريخ اسلامي جامعة لرستان

قسم التاريخ الاسلامي

³درويش نظري

استاذ تاريخ جامعة لرستان (استاذ مساعد)

قسم التاريخ الاسلامي

²سيد علاء الدين شاهرخي

استاذ تاريخ جامعة لرستان (استاذ المشرف)

قسم التاريخ الاسلامي

⁴مجتبى گراوند

استاذ تاريخ جامعة لرستان (استاذ مساعد)

قسم التاريخ الاسلامي

المخلص

تعد مدينة الكوفة أحد أهم المراكز التي أنشئت في الفتوحات الإسلامية الأولى، فضلا عن أنها وفرت بيئةً مواتيةً لتفاعل التعاليم الدينية والبنى السياسية والتطورات الاجتماعية، واعتمدنا في هذه الدراسة المنهج الوصفي التحليلي والتاريخي، تناولنا في هذه الدراسة الدور المتعدد لأوجه تعاليم أهل البيت (عليهم السلام) - مع الأخذ بنظر الاعتبار الدور المحوري للإرادات الروحية في بناء الحضارات - في مدينة الكوفة وفي تشكيل البنية الحضارية للإسلام، وهذه المسألة على الرغم من أهميتها البالغة لم تحظ بالاهتمام الكافي حتى الآن.

وتشير نتائج هذه الدراسة إلى أنه بتوجيه من أهل البيت (عليهم السلام)، تحولت الكوفة من قاعدة عسكرية إلى مركز لإنتاج الأفكار الأساسية للحضارة الإسلامية الخالصة، حتى صارت مركزا فكريا وثقافيا وأيديولوجيا وحضاريا لتعاليمهم، ومركزا للتعليم، إذ أنشئت مدرسة الكوفة العلمية، مما ضمن استقرار الحضارة الإسلامية وعمقها الفكري. بفضل منهجه العلمي ونموذجه الإداري القائم على العدل الإلهي وكرامة المواطن وضرورة الرقابة العامة، وساهم أمير المؤمنين علي (عليه السلام) في تحويل تعاليم الإسلام إلى قوة دافعة للمقاومة ضد الظلم، وبناء هوية قائمة على الشهادة. إلى جانب التأسيس العلمي للمبادئ الفقهية من قبل الأئمة اللاحقين، وأدى ذلك إلى تجميع الفقه وعلم الكلام والأخلاق، التي شكلت فيما بعد ركيزة الحضارة الإسلامية، ولعبت دورا هاما في تشكيل الأفكار والمدارس الفقهية والتفسيرية والفلسفية.

الكلمات المفتاحية: القرآن الكريم، الأئمة المعصومون (عليهم السلام)، الكوفة، الحضارة الإسلامية.

المقدمة

1- چکیده

شهر کوفه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تأسیس شده در اوایل دوران فتوحات اسلامی، بستری مطلوب برای تعامل آموزه‌های دینی، ساختارهای سیاسی و تحولات اجتماعی فراهم آورد. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تاریخی، نقش چندوجهی آموزه‌های اهل بیت (ع) - با توجه به نقش مهم اراده‌های هدایت‌گر معنوی در شکل‌گیری تمدن‌ها - را در شهر کوفه در شکل‌دهی به زیرساخت‌های تمدنی اسلام مورد بررسی قرار می‌دهد؛ این موضوع با وجود اهمیت بسیار اما متأسفانه تا کنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که کوفه با هدایت اهل بیت (ع)، از پایگاهی نظامی به کارگاه تولید اندیشه‌های بنیادین تمدنی ناب اسلامی و قطب فکری، فرهنگی، ایدئولوژیک و تمدنی برای معارف اهل بیت (ع) به مرکز آموزش تبدیل شد و مکتب علمی کوفه را بنا نهاد که پایداری و عمق فکری تمدن اسلامی را تضمین کرد. امیر المومنین علی (ع) با رویکرد علمی و الگوی حکمرانی مبتنی بر عدل الهی، کرامت شهروندی و ضرورت نظارت عمومی، هویت‌بخشی اعتراضی امام حسین (ع) در تبدیل آموزه‌ها به نیروی محرکه برای ایستادگی در برابر ظلم و خلق هویت مبتنی بر شهادت به همراه نهادینه سازی علمی و بنیان‌گذاری اصول فقهی توسط امامان بعدی منجر به تدوین فقه، کلام و اصول اخلاقی شد که بعدها به ستون فقرات تمدن اسلامی تبدیل گشت و نقش مهمی در شکل‌گیری اندیشه‌ها، مکاتب فقهی، تفسیری و فلسفی ایفا نمود.

واژگان کلیدی: قرآن مجید، امامان معصوم (ع)، کوفه، تمدن اسلامی.

مقدمه

تمدن، مجموعه‌ای از پیشرفت‌های مادی، شامل سامانه‌های فرهنگی، نهادی، هنری و فکری یک جامعه است که طی قرون متمادی شکل می‌گیرد؛ تمدن بشری محصول تعامل پیچیده‌ای میان نیروهای معناساز (رهبران الهی) و نیروهای عقلانی (متفکران) است (توین‌بی، 1362: 45). این ساختار پیچیده، همواره نیازمند نیروی محرکه‌ای برای آغاز و جهت‌دهی بوده است؛

پیامبران الهی و رهبران معنوی این نقش مهم را انجام داده‌اند. رهبران الهی با ارائه چارچوب‌های اخلاقی و جهان‌شناختی، نظم بنیادین اجتماع را تعریف می‌کنند و به آن انسجام می‌بخشند (Durkheim, 1961: 88). در مقابل، متفکران با بسط ابزارهای معرفتی، این چارچوب را توسعه می‌دهند (الفارابی، 1991: 32). در تحلیل تاریخی و جامعه‌شناختی تمدن‌ها، دو نیروی غالب همواره در نقش معمار اصلی ظاهر شده‌اند: اول، رهبران الهی و مذهبی که با ارائه مدل‌های جهان‌شناختی و اخلاقی مبتنی بر وحی، ساختار بنیادین اجتماع و معنای غایی زندگی انسان را تعریف کرده‌اند؛ دوم، اندیشمندان و متفکران که با تبیین‌های عقلانی، منطقی و روش‌های علمی، ابزارهای لازم برای تحقق این مدل‌ها در حوزه دانش، سیاست و اقتصاد را فراهم آورده‌اند.

در مورد تاریخ تمدن اسلامی باید گفت که ظهور اسلام به عنوان نقطه آغازین تمدن اسلامی شناخته می‌شود و این دین آسمانی، طی یک قرن تمدنی را بنیان نهاد که قسمت اعظمی از جهان اسلام را در بر گرفت (حسن، 1366: 2). این تمدن با رشد سریع خود، گفتمان جدیدی را در جهان آن زمان بنیاد نهاد که از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بسیار متفاوت بود؛ به طوری که از حیث قدرت، ثروت و تفکر به جایگاهی چشمگیر دست یافت؛ از این رو تمدن اسلامی شکل گرفته، دارای انسجامی درونی بود که ویژگی‌های محلی و جهانی آن قابل توجه بود و حجم تولیدات علمی، فکری و فنی آن زمان را در انحصار داشت (رجایی، 1379: 94).

پژوهشگران علاقمند به مباحث مربوط به تمدن به‌خصوص تمدن اسلامی در بررسی شکوفایی تمدن اسلامی از قرن سوم تا قرن هفتم به عوامل متعددی اشاره کرده و آنها را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ در این میان به مواردی همچون دین اسلام، تعالیم قرآن مجید و رسول گرامی اسلام و برخی موارد دیگر اشاره شده است. در تحلیل‌های موجود از عامل بسیار مهم رهبران الهی یا همان نیروهای معنا ساز به‌ویژه آموزه‌ها و تعالیم امامان معصوم (علیهم السلام) غفلت شده است؛ حال آن که این اشخاص پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه) منبع موثق علوم اسلامی و مرجع دانش و معرفت بودند.

کوفه، ابتدا به عنوان یک شهر نظامی و سپس سیاسی و اداری در دوران فتوحات اسلامی در ایران، در سال ۱۷ هجری قمری تأسیس شد (البلاذری، 1350: 296) و به سرعت گسترش یافت و حتی مرکزی مهم در بین النهرین و سرزمین‌های اسلامی گردید؛ این شهر به دلیل مهاجرت گسترده قبایل عربی و استقرار یاران برجسته صحابه در نیمه نخست قرن اول هجری (همدانی، 1302: 164) به پایگاهی سیاسی، فرهنگی و مذهبی تبدیل شود. اوج اهمیت و جایگاه تاریخی کوفه، انتخاب آن توسط امیرالمومنین علی (علیه السلام) به عنوان مقر خلافت اسلامی در سال ۳۶ هجری قمری بود (المسعودی، 1409: 372/2). این انتخاب موجب شد تا کوفه از یک شهر نظامی به کانون مرجعیت فکری و سیاسی جهان اسلام مبدل گردد.

اگرچه حضور فیزیکی امامان بعد از امام حسین (علیه السلام) در کوفه با محدودیت‌هایی همراه بود، اما لازم است بررسی شود که موج فکری و علمی ناشی از تعالیم و آموزه‌های امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) و امامان پس از ایشان که از طریق شبکه‌های شاگردان وفادار در مناطق اطراف و خود کوفه مدیریت می‌شد چه تأثیری بر شکل‌گیری مکاتب فقهی، کلامی و ادبیاتی نهادند که بعدها به میراث تمدن اسلامی تبدیل شدند؟ و با چه مکانیسم‌هایی موفق به نفوذ در ساختارهای فکری تمدن اسلامی شدند؟ پاسخ این پرسش نه تنها بیانگر ابعاد از روند چگونگی تأسیس یک مکتب فقهی خاص است، بلکه همچنین تأثیر این تعالیم بر کلیت مفاهیم حکمرانی، اخلاق اجتماعی و نظام معرفتی تمدن اسلام در طول قرون بعدی تبیین می‌کند.

در دوران امام علی (علیه السلام) که کوفه کانون زیست امام بر این شهر تمرکز وجود دارد اما پژوهش‌های موجود در مورد نقش سایر امامان بر شهر کوفه بسیار اندک است زیرا منابع عمدتاً بر زندگی امامان در مدینه، کاظمین و سامرا و توسعه علمی در قم متمرکز هستند. از این رو نیاز میرمی به پژوهش‌هایی است که نشان دهند چگونه میراث فکری و سیاسی کوفه در دوران غیبت با هدایت امامان و توسط فعالان شیعی ساکن در این شهر، حفظ و به نسل‌های بعدی منتقل گردید.

این مقاله با اتکا به منابع دست اول و پژوهش‌های معاصر تلاش دارد که تأثیر آموزه‌های امامان شیعه در کوفه را بر ساختار فکری و اجتماعی تمدن اسلامی تحلیل نماید. محور اصلی این پژوهش، بررسی چگونگی تبدیل شدن تعالیم اخلاقی و سیاسی اهل بیت (علیهم السلام) با تمرکز بر کوفه به مبانی نظری برای توسعه تمدن اسلامی بر محوریت علوم انسانی و عدالت‌محور در جهان اسلام است.

شهر نجف مرکز مهم آموزش و فعالیت‌های فکری است و تحقیقات علمی به دلیل نقشی که مدارس دینی ایفا می‌کردند، در آنجا رونق گرفت (محمود، 2022: 5).

ضرورت و اهداف پژوهش

ضرورت انجام این پژوهش از این جهت است که ابعاد مهم و اثرگذار نقش تمدنی کوفه به‌ویژه به‌عنوان دانشگاه اولیه تمدن اسلامی شیعی کاملاً تبیین نشده است و اغلب در مطالعات تاریخ‌نگاری عمومی این شهر را یکی از مراکز فتنه‌ها (مانند جنگ‌های داخلی) یا پایتخت سیاسی گذرا معرفی می‌کنند؛ همچنین مطالعه و بررسی ابعاد مختلف فعالیت و تأثیر آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام) بر این شهر، می‌تواند ابعادی از ریشه‌های علمی و اخلاقی تحولات فکری بعدی (مانند ظهور نهضت‌های علمی در بغداد و قم) آشکار نماید. این پژوهش همچنین تلاش دارد اهداف دیگری را محقق نماید از جمله:

الف- تحلیل بنیادین نقش امام علی (علیه السلام) در پایه‌گذاری ساختار و چارچوب‌های نظری عدالت اجتماعی، حکمرانی و عقل‌گرایی عملی در جامعه کوفه.

ب- بررسی فرآیند انتقال و تکوین فقه (به‌ویژه فقه مبتنی بر عقل و سنت صحیح) و کلام امامی از طریق امام باقر (علیه السلام)، امام صادق (علیه السلام) و امامان پس از ایشان در میان جوامع کوفی تمدنی کوفه در سایه امامت و نقش آن در تمدن اسلامی.

ج- شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مهم تمدنی (فکری، اخلاقی و حقوقی) که از تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) در کوفه نشأت گرفته و به جریان‌های اصلی تمدن عام اسلامی صادر شده‌اند؛ درک این تأثیرات برای فهم اصول بنیادین عدالت اجتماعی و اعتراض مدنی در تفکر اسلامی حائز اهمیت است.

روش‌شناسی: این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تاریخی طراحی شده، به‌ویژه در مباحث مختلف مربوط به امامان معصوم تحلیل‌هایی در خصوص مواضع سیاسی و بویژه علمی آنان به‌فراخور حال انجام شده‌است؛ داده‌های اولیه از منابع دست اول تاریخی و حدیثی و همچنین متون مرتبط با سیره ائمه استخراج می‌گردد. تحلیل بر اساس مدل تأثیر و تأثر متقابل صورت می‌گیرد؛ یعنی چگونگی دریافت آموزه‌ها توسط جامعه چندلایه کوفه و سپس تأثیر این تعالیم بر ساختارهای فکری و عملی شهر.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های موجود در ارتباط با موضوع این پژوهش، عمدتاً ماهیت تاریخی-فقهی دارند و بر نقش محوری کوفه در انتقال و تدوین اندیشه شیعی تأکید می‌کنند؛ با این حال، اغلب فاقد تحلیل‌های نظام‌مند در مورد تأثیر آموزه‌های امامان شیعه در نقش کوفه در تمدن اسلامی می‌باشند. مهم‌ترین پژوهش‌های موجود در این خصوص عبارتند از:

آلیاسین، محمدحسن (1372)؛ در کتابی با عنوان تاریخ کوفه که جامع‌ترین پژوهش عربی درباره تاریخ اولیه کوفه است با ارائه داده‌های گسترده از منابع دست اول، ساختار سیاسی، قبیله‌ای و تحولات اجتماعی کوفه را توضیح می‌دهد. این کتاب گرچه منبعی مفید برای اطلاعات تاریخی در مورد کوفه است اما رویکرد آن توصیفی بوده و نقش علمی امامان در این شهر، به‌ویژه در تولید دانش دینی و حدیثی، به‌صورت نظام‌مند را بررسی نکرده است.

الدوری، عبدالعزیز (1986)؛ در کتاب النظم الاسلامیه با بررسی سازمان‌های سیاسی و اجتماعی شهرهای نخستین اسلامی، نقش کوفه را در شکل‌گیری ساختار اداری و طبقاتی بررسی و تحلیل می‌کند. این پژوهش بیشتر ناظر بر نظام‌های سیاسی است و حضور امامان در کوفه را تنها به‌صورت گذرا بررسی می‌کند؛ بنابراین نقش معرفتی و تمدنی امامان در آن با دقت تحلیل نشده است.

شهیدی، سید جعفر (1374)؛ در کتاب تاریخ تحلیلی اسلام، با رویکردی تحلیلی به دوره خلافت امام علی (علیه السلام) می‌پردازد و تصویری گویا از شرایط سیاسی-اجتماعی کوفه ارائه می‌دهد. با این وجود به‌سبب گستردگی موضوع کتاب مباحث مربوط به نقش علمی امامان و شکل‌گیری نهادهای دانش در کوفه به‌صورت مختصر مطرح شده است.

جعفریان، رسول (1381)؛ در کتاب تاریخ تشیع در ایران و جهان اسلام با تکیه بر منابع تاریخی و جریان‌شناسی دقیق، کوفه را به‌عنوان خاستگاه و بستر گسترش تشیع بررسی می‌کند. این کتاب با وجود داشتن ارزش علمی، بخش مربوط به نقش امامان در شکل‌گیری مکتب علمی کوفه در آن ناکافی است و از تحلیل شبکه‌ای راویان و نهادهای معرفتی کمتر بهره برده است.

مدرسی طباطبایی، حسین (1997)؛ در کتاب میراث حدیث شیعه که پژوهشی علمی درباره تاریخ حدیث امامیه است با تحلیل شبکه راویان، نقش کوفه را به عنوان مرکز تولید و انتقال معرفت امامی برجسته می‌کند؛ این کتاب از نظر داده‌های تاریخی و روش‌شناسی ارزشمند است. با این حال تمرکز بر شبکه‌های حدیثی سبب شده ابعاد تمدنی، اجتماعی و تعامل کوفه با دیگر جریان‌های فکری کمتر مورد توجه قرار گیرد.

غلامحسن محرمی (1390) در کتاب "نقش امامان شیعه در شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی"، عمدتاً بر محور انتساب برخی علوم به امامان و برخی فعالیت‌ها و تلاش‌های علمی ایشان تمرکز کرده است؛ با وجود این که در این پژوهش برخی اقدامات امامان در حوزه تمدن اسلامی مورد توجه قرار گرفته است اما از نقش محوری آنان در این خصوص بویژه در حوزه شاگرد پروری در عرصه تمدن‌سازی غفلت شده است.

بهنیافر، احمد رضا و منتظر القائم، اصغر (۱۳۸۸)؛ در مقاله‌ای با عنوان جایگاه و نقش دانشمندان کوفه در بنیان‌گذاری و شکوفایی علمی در تمدن اسلامی (از ورود امام علی (علیه السلام) تا تأسیس حوزه علمی نجف / 448 - 36 ق) به بررسی تاریخی تکوین مکتب کوفه از ورود امام علی (علیه السلام) تا تأسیس حوزه‌های نجف و بغداد و همچنین توصیف نقش علما و رشته‌های علمی پرداخته است. این پژوهش با جمع‌آوری منابع دست اول تاریخی، نگاه نسبتاً فراگیر به تطور مکاتب در کوفه دارد؛ با این حال رویکرد آن عمدتاً توصیفی است و کمتر روش انتقادی- نظری بکار برده است؛ به علاوه تحلیل جامعه‌شناختی اقتصادی در مورد کوفه ارائه نداده است که نشان دهد چرا کوفه ظرفیت علمی مشارکت در تمدن اسلامی را یافت.

جمع‌بندی پیشینه تاریخی موضوع این مقاله بیانگر آن است که آثار فارسی و عربی موجود که اگرچه اطلاعات تاریخی، روایی و حدیثی ارزشمندی درباره کوفه و نقش امامان فراهم کرده‌اند، اما چند ضعف مشترک در آن‌ها دیده می‌شود که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود: کم‌توجهی به نقش علمی امامان باقر و صادق و دیگر امامان بعدی در تولید دانش کوفی؛ همچنین بررسی‌نشده پیوند نقش امامان با نهادهای تمدنی مانند قضاوت، آموزش، طبقات دانشوران و تولید معرفت.

این خلأهای پژوهشی، ضرورت انجام مطالعات جدیدی را نشان می‌دهد که نقش امامان را نه صرفاً در سطح روایی یا اعتقادی، بلکه در چارچوب نظام‌های دانشی، اجتماعی و تمدنی کوفه تحلیل کنند؛ پژوهش حاضر در همین راستا تلاش می‌کند این شکاف‌ها را پوشش دهد و بسترهای مناسب در شهر کوفه و آموزه‌های هدفمند امامان معصوم (علیهم السلام) و یاران و شاگردانشان در این شهر را با توجه به شرایط مختلف هر یک از امامان و یا برخی از آنان به تفکیک مورد بحث قرار خواهد داد.

۱. کوفه: شهری با خمیرمایه چند فرهنگی و نقش آن در شکل‌گیری هویت اسلامی

کوفه، به عنوان شهری استراتژیک پس از پیروزی سپاهیان خلافت اسلامی در جنگ قادسیه و تلاش برای یافتن منطقه‌ای مناسب با طبیعت خود جهت اقامت آنان در سال هفدهم هجری بنا شد؛ به گفته بلاذری کوفه در سمت راست فرات و در شمال شرقی شهر حیره در ناحیه‌ای که سورستان مآخوذ از نام فارسی سورستان یعنی صحرا بود بنا گردید (البلاذری، 1350: 275). این شهر از ابتدا محلی برای اسکان قبایل عرب مهاجر و همچنین جمعیت‌های بومی مناطق فتح‌شده (عمدتاً ایرانیان و مسیحیان و یهودیان) شد؛ علاوه بر موارد مذکور اقشار دیگری نیز در کوفه مستقر شدند از جمله سریانی‌های ساکن اطراف حیره و نجف، نجرانی‌های یمن (الاصطخری، 1961: 58) و ساکنان بیابان‌های میان کوفه و بصره نیز به این شهر روی آوردند. در کوفه، مسیحیان شامل دو گروه نسطوری و یعقوبی (ماسینیون، 1939: 25) نیز مستقر شدند.

هالم عراق را خاستگاه فرقه شیعه می‌داند و تا به امروز یکی از کشورهای اصلی تشیع است. وقایع سرنوشت‌ساز در تاریخ رنج‌های شیعه در آن رخ داده است و شامل مزار شش تن از امامان شیعه است و کوفه مرکز سیاسی و مذهبی شیعیان است (الخاقانی، 2019: 68).

این شهر به دلیل نزدیکی به مرزهای ایران و قرارگیری در مسیر تجارت، همواره محلی برای تبادل نظر و فرهنگ بوده است؛ این بستر چندلایه و منحصراً بفرز در شهرهای خلافت اسلامی، آمادگی پذیرش ایده‌های نو و عمیق و دریافت چارچوب‌های فکری را فراهم نمود تا بتواند این کثرت را ذیل یک مفهوم واحد (تمدنی با محوریت توحید) سامان دهد. با این حال اساس تمرکز شیعیان بر کوفه پس از استقرار امام علی (علیه السلام) در این شهر بود؛ اعراب ساکن کوفه بیشتر از اعراب جنوبی بودند که بسیاری از آنان آشکارا به امام علی (علیه السلام) گرایش داشتند (شاهرخی، 1389: 90).

۲. امام علی (علیه السلام) و پایه‌ریزی تمدن عدالت‌محور در کوفه؛ تجلی بنیان حقوقی حکومت عادلانه در تمدن اسلامی

حضور امام علی (علیه السلام) در کوفه (۴۰-۳۶ ه.ق) دوران بسیار مهم و سرنوشت سازی در حیات فعالیت‌های تمدنی شیعه و حتی جهان اسلام بود زیرا با استقرار امام در این شهر، عملاً پایتخت سیاسی و معنوی جهان اسلام از مرکز سنتی (مدینه و پس از آن دمشق) به محلی که بیشترین پتانسیل برای اجرای حکومت مبتنی بر اصول اولیه اسلامی را داشت، منتقل شد و موجب شد که بستر و زمینه مساعدی برای آموزه‌های عمیق‌تر امام علی (علیه السلام) فراهم کرد (الطبری، ۱۴۰۹: ۴۵۳/۳).

دوران خلافت امیر المومنین علی (ع) با مرکزیت کوفه فرصتی فراهم نمود تا جهان اسلام، تمدن اسلامی و بلکه جهان بشریت از برخی آموزه‌های امام در قالب سیاست‌نامه‌ها، رهنمودها و احکام اجرایی تجلی به‌رمند گردد: مفاهیم کلیدی آن به-اختصار عبارت بودند از:

1-2- احیای عدالت نبوی: سیره و روش حکومتی پیامبر اکرم (ص) اجرای عدالت بدون تبعیض بود؛ ایشان فرمود فرمان یافته‌ام که میان شما به عدالت رفتار کنم (شوری: ۱۵)؛ پس از رحلت ایشان و جریان سقیفه بنی ساعده بتدریج این روند دچار انحراف گردید. امام علی (علیه السلام) در راستای احیای این سنت عدالت محور در عمل و گفتار تأکید نمود که حکومت، ابزاری برای اقامه عدل است نه کسب قدرت. این امر در نامه به مالک اشتر به‌طور کامل تبیین شد؛ امیر المومنین در این نامه نه تنها بر تساوی در اجرای قوانین تأکید داشتند، بلکه بر نقش حکومت در تأمین نیازهای اساسی مردم به‌عنوان حق (و نه صدقه) اصرار ورزیدند و فرمودند: "... مردم در نزد حکومت، همان‌گونه خواهند بود که دین‌داری حاکم است..." (نهج البلاغه، ۱۳۸۴: ۳۰۴). این اصل، اساس نگرش شیعی به مشروعیت سیاسی را شکل داد. امام در این راستا حتی نسبت به محرومین از جمله موالی که بر خلاف عدالت اسلامی تحت تبعیض قرار داشتند همراهی نمود که این روش کاملاً در تضاد با روحیه استیلا جویانه و متأثر از عصبیت اشرافی و قبیله‌ای اشراف عرب بود (شاهرخی و بهرامی، ۱۳۹۱: ۱۷۵).

امام همه نیکی‌ها را در سایه عدالت‌خواهی و عدالت‌گرایی دانسته و آن را شریف‌ترین اصل در به کمال رساندن فرد و جامعه معرفی کرده و در این راستا فرمود: "ثبات و پایداری دولت‌ها با برپاداشتن شیوه‌های عدالت و دادگستری است" (الامدی، ۱۴۲۶: ۳۳۵)؛ با این وضعیت جامعه آهنگ پیشرفت می‌گیرد (تهرانی، ۱۳۸۱: ۱۷۵).

2-2- مبارزه با انحصار اقتصادی و رانت: امام علی (علیه السلام) در دورانی به حکومت رسید که جامعه اسلامی دچار انحراف شده بود؛ بسیاری از خواص و صحابه غرق در تجملات و غنایم فتوحات اسلامی، سبک فکری و زندگی اشرافی را جایگزین سبک اسلامی نموده و بیم آن می‌رفت در دراز مدت این سبک زندگی، الگوی نسل‌های بعد قرار گیرد. امام به‌شدت با دست‌درازی به بیت‌المال که به‌مثابه حق عمومی تعریف شده بود، مقابله کرد. ایشان با ایجاد نظام توزیع عادلانه غنائم و حقوق، تئوری عدالت اقتصادی را در مقابل نظام فئودالی- قبیله‌ای وقت قرار دادند؛ لذا تأکید نمود: "اگر مالی نزد من است در تقسیم آن میان سپاه و سفید فرق نخواهم گذاشت" (الکوفی، ۱۴۰۷: ۷۰). این مبارزه، شالوده اصول فقه اقتصادی شیعه شد که هرگونه انباشت غیرعادلانه ثروت را مورد پرسش قرار می‌دهد.

3-2- بنیان‌گذاری مکتب علمی کوفه توسط امیر المومنین علی (علیه السلام): آغاز علوم اسلامی

مسئله تعلیم و تعلم که بعدها از ارکان مهم تمدن اسلامی بود چنان ارزشی نزد امیرالمومنین داشت که افزون بر سفارش به دیگران، خود نیز از هر فرصت مناسبی بویژه در مسجد آن را به محل تدریس و آموزش تبدیل می‌کرد؛ از بررسی برخی احادیثی که در کتب معتبر وارد شده، از سیاق آن‌ها می‌توان به استفاده از مسجد و منبر در خطبه‌های امام علی (علیه السلام) پی برد؛ از جمله: چون امیرالمومنین (علیه السلام) به بالای منبر برآمد... و بعد از آن گفت: ای گروه مردم از من سوال کنید پیش از آن که من را از دست دهید (غفاری، ۱۳۲۳: ۴۸۶) و یا اصبع بن نبأته اشاره می‌کند به زمانی که امام از منبر فرود آمدند و اصبع نزد ایشان رفته و سوالی از ایشان می‌پرسند (پیشین: ۳۹۷). امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: هنگامی که علی (علیه السلام) نماز صبح را به جا می‌آورد، تا طلوع خورشید در حال تعقیب نماز بود؛ هنگام طلوع خورشید تهی دستان و مستمندان و دیگر قشرهای مردم نزد او جمع می‌شدند و او به آنان دین‌شناسی و قرآن می‌آموخت و در ساعتی خاص از این جلسه برمی-خاست (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵: ۱۰۹/۴)؛ امام با این رویکرد علمی و تربیت شاگردانی چون ابوالاسود دؤلی، علی بن ابی رافع، عبیدالله بن ابی رافع و حارث همدانی، کوفه را به مرکز علمی تبدیل کرد و مکتب علمی کوفه را بنا نهاد (البغدادی، ۱۳۴۹: ۱۳/۳۳۴).

بنیان‌گذاری علم نحو توسط ابوالاسود دؤلی - از یاران نزدیک امام- یکی از ملموس‌ترین نتایج این رویکرد بود؛ ابوالاسود می‌گوید: یکی از روزها خدمت علی (علیه السلام) رسیدم... صفحه‌ای به من داد که در آن نوشته بود کلام بر سه قسم است: اسم، فعل و حرف و پس از آن، اصول و قوانینی به من تعلیم داد و اصل علم نحو از اینجا پدید آمد (الکوفی، ۱۴۰۷: ۳۵۵).

۳. صلح امام حسن (علیه السلام)؛ محافظت از جان شیعیان و ادامه روند بنیان تمدنی در کوفه با رعایت مصلحت امت

دوران خلافت امام حسن (علیه السلام) در کوفه کوتاه بود، به سبب خیانت بسیاری از اشراف کوفه و حتی عبیداله بن عباس فرمانده سپاه ایشان که شبانه همراه با حدود دو سوم سپاه به معاویه پیوست (الاصفهانی، 1385: 42) امام در ادامه جنگ با معاویه منصرف شد؛ لذا برای حفظ جان سایر شیعیان وفادار که اکنون در اقلیت بودند ناچار به پذیرش صلح گردید. امام با وجود صلح، هم‌چنان نخبگان کوفه را هدایت نمود؛ این دوران، اهمیت صبر و بصیرت در حفظ اصول دینی را در برابر فتنه‌های سیاسی به یاران کوفی آموخت که این آموزه پایه تمدنی حفظ مکتب در دوران غیبت‌های طولانی شد.

در این دوره، شیعیان در رنج و بلای شدیدی گرفتار آمدند؛ زیرا معاویه در بخش‌نامه‌ای به حاکمان خود نوشت: "هرکس از دوستان علی و اهل بیت بود، نام او را از دفاتر کارمندان دولتی حذف و حقوق و مزایای آنان را قطع کنید؛ خانه اش را خراب نمایید و آنان را عقوبت کرده، ذلیل و ناتوان سازید" (ابن ابی الحدید، 1385: 16/3)؛ در پی چنین سیاستی، برخی شیعیان از کوفه تبعید شدند و گروهی از شامیان جانشین آنان گردیدند (المقدسی: 5/6).

۴. امام حسین (علیه السلام) و بسترسازی احیای آرمان‌های عدالت‌خواهانه در تمدن اسلامی

قیام امام حسین (علیه السلام) در کربلا، اگرچه به پیروزی نظامی منجر نشد اما یک پیروزی اخلاقی و ایدئولوژیک بی‌نظیر برای تمدن اسلامی به ارمغان آورد. امام حسین (علیه السلام) نمونه عالی خودآگاهی است و خودآگاهی را آن‌چنان که شایسته آن است به مسلمانان آموخت؛ او عالی‌ترین نمونه پاسداری از کرامت انسانی و دفاع از آن و جانبازی در راه آن را به همگان نشان داد. او نمونه درخشانی از رهبر مبارزی را نشان داد که چون در میدان حق و باطل به پیکار فرو می‌روند جز با پیروز گردانیدن حق یا فدا شدن در راه آن، از میدان برنمی‌گردند (العلائی، 1371: 130).

1-4- تثبیت اصل امر به معروف و نهی از منکر: آموزه‌های امام حسین (علیه السلام) بر این مبنا بود که جایی که حکومت از مسیر عدالت منحرف شود، سکوت جایز نیست؛ این پیام برای کوفیانی که با امام بیعت کرده بودند اما در عمل سستی کردند، یک شوک عظیم بود. این اصل، به عنوان یک فیلتر اخلاقی دائمی در برابر هرگونه قدرت فاسد عمل کرد و مانع از آن شد که تمدن اسلامی به‌طور کامل ذیل قدرت‌های خودکامه قرار گیرد (مطهری، ۱۳۸۰: 213).

2-4- ایجاد موج بیداری اسلامی بر مبنای اسلام نبوی: قیام امام حسین (علیه السلام) دارای نتایج روحی - روانی یا اخلاقی - معنوی مهمی بود که در نوع خود بی‌نظیر است زیرا قیام کربلا توانست قرآنت‌های دروغین اشراف و خلفای متظاهر به اسلام را رسوا نماید؛ در نتیجه توانست در جامعه اسلامی هم انقلاب درونی (تحول روحی) ایجاد کند و هم انقلاب برونی (حرکت‌ها و جنبش‌های اعتراضی) را دامن بزند. امام به عنوان یک مصلح توانست در ملت اسلام حماسه و غیرت ایجاد کرده جسارت و شجاعت به وجود آورد؛ این موضوع در شناخت تمدنی مسلمانان و جلوگیری از فراموشی از اسلام راستین تأثیرگذار بود.

5. امام سجاد (علیه السلام)، امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام): تحکیم پایه سازی فرهنگی و تمدنی با تثبیت فقه، کلام

پس از فاجعه کربلا و استمرار رفتارهای بی‌رحمانه خلفای اموی و ترویج افکار منحرفانه در جامعه، اولویت امامان بر محور فعالیت‌های فرهنگی قرار گرفت؛ آنان در این راستا از هر موقعیت مناسبی برای فعالیت‌های علمی بیشترین بهره‌برداری را نمودند. فعالیت‌های ائمه (علیه السلام) از مبارزه سیاسی مستقیم به تأسیس و ساماندهی بنیان‌های علمی معطوف شد. این مرحله حیاتی‌ترین نقش را در تثبیت تمدن اسلامی ایفا نمود؛ در این راستا بدون تردید بزرگترین تحول علمی پس از عصر امیرالمؤمنین در دوران فعالیت‌های امام سجاد، امام باقر و به‌ویژه امام صادق در منطقه جغرافیایی کوفه و مدینه رقم خورد.

درک ابعادی از عمق تلاشی که این امامان انجام دادند زمانی امکان پذیر است که محدودیت‌ها و دشواری‌های دوران امامت آن‌ها را بتوان دریافت؛ در ادامه تنها اشاره‌ای کوتاه به آن شرایط دشوار خواهد شد. در این ارتباط نقل شده است که عبدالملک بن مروان بر این باور بود که مردم را جز با شمشیر نمی‌توان به تسلیم واداشت؛ این خلیفه تهدید کرده بود که اگر کسی وی را به تقوا امر کند، گردنش را خواهد زد (السیوطی، 1408: 258)؛ او حجاج را والی عراق ساخت و در ضمن نامه‌ای به او سفارش کرد که کوفه را چنان لگد کوب کن که اهالی بصره با آن خوار شوند و از مدارا و همراهی با مردم حجاز بپرهیز (البیرونی، بدون: 279/2).

در این دوران علاوه بر حکومت نالایق خلافت اموی، عقاید انحرافی مانند اندیشه جبر، تشبیه و ارجاء در جامعه رواج یافته بود (المفید، 1413: 632/2)؛ البته به خاطر هم سویی حاکمان بنی امیه با جبرگرایی، این جریان به شکل یک رویکرد فکری و

کلامی در آمد؛ زیرا حاکمان اموی بر اساس عقیده جبر می‌توانستند کارهای خود را توجیه کنند (محرمی، 1388: 111؛ الجلالی، 1418: 88-91).

امام سجاد (علیه السلام) در این نهضت مقدس علمی و جهاد فرهنگی، با تمام توان در برابر یهود و اخبار اسرائیلیات ایستاد؛ یکی از آثار منع حدیث که وجود داشت به‌خاطر رواج اسرائیلیات بود (ابن الجوزی، 1418: 445). تعدادی از یهودیان و اهل کتاب تازه مسلمان روایات دروغین و ساختگی درباره انبیای الهی، سیره رسول الله (صلی الله علیه) و احکام و شعائر اسلامی را در محافل علمی مسلمانان شیوع می‌دادند و برخی محافل علمی ناآگاه نیز این روایات را در آثار خود نقل می‌کردند؛ از جمله کعب الاحبار می‌گفت: هر صبح‌گاه کعبه در برابر بیت المقدس سجد می‌کند امام باقر (علیه السلام) سخن او را تکذیب کرد و فرمود: "خداوند بقیه‌ای محبوب‌تر از کعبه روی زمین نیافریده است" (جعفریان، 1381: 302).

در این شرایط بحرانی که حتی بنیادهای فکری جامعه اسلامی در خطر بود این امامان (ع) بیشتر تلاش خود را در راستای ظرفیت سازی برای گسترش فرهنگ اهل بیت (ع) و تشیع به کار بردند و با وجود خفقان شدید، زمینه‌های بنیان گذاری مراکز علمی را که نقشی سترگ در گسترش تشیع داشت فراهم نمودند.

1-5- بنیان‌گذاری فقه جعفری (مکتب کوفه و مدینه)

امام صادق (علیه السلام) نیز با آموزش گسترده شاگردانی چون زراره، محمد بن مسلم و مفضل، سیستم فقهی جامعی را توسعه داد که ریشه در مکتب اصولی کوفه داشت اما با دقت‌های کلامی و عقلی بالاتری همراه بود. شاگردان بسیاری در زمان امام صادق (علیه السلام) برای استفاده از محضر آن حضرت از مناطق گوناگون، رهسپار مدینه شدند؛ تعدادی از آن‌ها پس از فراگیری علم در مدینه اقامت گزیدند و تعدادی نیز به مناطق خود باز گشتند؛ چنان‌که محمد بن مسلم کوفی مدت چهار سال در مدینه از محضر امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) بهره برد (الطوسی، 1404: 391/1) و سپس به موطن خود بازگشت.

2-5- اصول اجتهاد

فقه جعفری بر اساس آموزش‌های امام بر اصول مشخصی بنا شد: کتاب (قرآن مجید)، عقل، سنت صحیح (روایات معتبر اهل بیت) و اجماع (که سپس بر اساس نظر عقلا تفسیر شد)؛ این دقت روش‌شناختی، فقه را از صرفاً گزارش‌دهی تاریخی، به یک نظام حقوقی پویا و قابل توسعه تبدیل کرد.

3-5- تأثیر تمدنی فقه امامی (جعفری)

مکتب فقهی امامی (جعفری)، با تأکید بر تحلیل دقیق متون و استخراج احکام جزئی، موتور محرکه نظام حقوقی و اجتماعی بسیاری از مناطق اسلامی (مانند ایران و مناطق شیعه‌نشین) شد؛ حتی مکاتب فقهی اهل سنت نیز در مواجهه با مسائل مستحدثه، از دقت نظر این مکتب متأثر گردیدند (Nasr, 1987: 156).

4-5- شکل‌گیری نهاد تمدنی آموزش غیرمتمرکز (نهاد وکالت)

با توجه به محدودیت‌های سیاسی، امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) یک شبکه آموزشی بسیار منسجم ایجاد کردند؛ این شبکه از شاگردان نخبه تشکیل شده بود که حاملان اصلی علوم به سایر بلاد (مانند قم، نیشابور و جبال) بودند⁴. روش امامان (علیه السلام)، به‌ویژه امام صادق (علیه السلام)، به گونه‌ای بود که شاگردان خود را به سمت اجتهاد سوق می‌دادند؛ در این راستا امام در جواب برخی از شیعیان، که از ایشان پرسیدند هنگامی که سؤالی برای ما پیش بیاید به چه کسی مراجعه کنیم، فرمود: "چرا به محمد بن مسلم تقی مراجعه نمی‌کنید که او نزد پدرم، وجیه و محترم بود و از او حدیث شنیده است" (العاملی، 1414: 105/18).

6- امام موسی کاظم (علیه السلام) و تقویت شبکه علمی و وکالتی در کوفه

با روی کار آمدن عباسیان و تشدید فشار بر علویان، امام موسی کاظم (علیه السلام) بیش از گذشته بر استفاده از نهاد وکالت برای اداره امور شیعیان تکیه کرد؛ کوفه به دلیل سابقه طولانی شیعی، فعالیت‌های گسترده علمی موالی شیعه و موقعیت جغرافیایی‌اش، مرکز اصلی این شبکه بود.

1-6- وکلای برجسته کوفی

کوفه در این دوران از مراکز مهم فعالیت وکلای امامان بود؛ از چهره‌های تأثیرگذار می‌توان علی بن یقطین، زیاد بن مروان قندی و عثمان بن عیسی را نام برد که نقش مهمی در انتقال معارف و سامان‌دهی اقتصادی پیروان داشتند (المفید، 1413/338).

6-2- استمرار شاگرد پروری و تأثیر بر علوم حدیثی

بر اساس گزارش کلینی، بخش مهمی از روایات فقهی منقول از امام کاظم (علیه السلام) از طریق راویان کوفی همچون صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی‌نصر منتقل شده است (الکلینی، 1407: 1/491)؛ در نتیجه این جریان، کوفه به یکی از مراکز تولید دانش فقهی شیعه در قرن دوم و سوم تبدیل شد. با همه محدودیت‌هایی که برای امام بود، او موفق به تربیت صدها شاگرد زبده و آگاه و متخصص در علوم اسلامی شد.

هشام بن حکم، از جمله شاگردان امام بود. هشام در سال ۱۱۳ق در کوفه متولد شد؛ او از متکلمین و مفسرین قرن دوم هجری به شمار می‌آید. علمای علم رجال او را به عنوان مولای معرفی کرده و می‌گویند از نژاد عرب نبوده است (بخشایشی، 1371: 435/1)؛ به گفته ابن ندیم، هشام، غلام آزاد شده بنی‌شیبان بوده است (ابن‌الندیم، 1346: 327). در مورد وی همچنین نقل شده است که از خواص امام کاظم (علیه السلام) بوده است و در اصول دین با مخالفان بسیار به بحث و گفتگو نشسته است (الطوسی، 1404: 329).

از دیگر شاگردان امام، علی بن یقطین است، علی در سال ۱۲۴ق در کوفه دیده به جهان گشود؛ او از خاندان‌های اصیل ایرانی بود که پدرش یقطین از اهواز به کوفه مهاجرت کرد. علی در کوفه رشد و نمو پیدا کرده و به ابزار فروشی مشغول شد (النجاشی، بدون: 209؛ الکشی، 1348: 430).

7- امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و شکوفایی جریان عقل‌گرایی کوفی

دوره امام رضا (علیه السلام) هم‌زمان با رشد جریان‌های عقل‌گرایانه کلامی به‌ویژه معتزله در کوفه بود؛ ارتباط امام با متکلمان کوفی همچون هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمن نشان‌دهنده تأثیرگذاری او در هدایت این جریان است (هالم، 1385: 154).

7-1- حضور در مناظرات و انتشار گسترده از طریق تفوق علمی

یکی از مؤثرترین عوامل در نشر فرهنگ و معارف اهل بیت (علیه السلام) در تمدن اسلامی، حضور امام در جلسه‌های متعدد مناظره در مرو بود. از نکات جالب مناظرات امام آن است که ایشان با هر فرقه و گروهی با مبانی خود آنان سخن می‌گفت (الطبرسی، 1381: 2/415). دیگر اینکه علی‌رغم حضور دانشمندان نامی و رهبران دینی، دانشوران و دانایان ادیان مختلف بر تمامی آنان غلبه می‌یافت تا آنجا که آنان بر ضعف علمی خود و برتری امام اذعان و اعتراف داشتند (الاربلی، 1346: 3/157).

رهنمودهای فکری و علمی استنباط‌شده از مناظره‌های امام به علت غنای محتوایی و روشی الگو و مبنایی برای طرح استدلال در برابر مکاتب و ادیان دیگر شد؛ از این رو شیوه گفت‌وگویشان در بکارگیری روش بحث علمی همراه با منطق و آرامش در بیان ضعف و بطلان اندیشه‌های منحرف الگویی برای همگان بود (شاهرخی، 1397: 514). هرچند مناظرات مشهور امام رضا (علیه السلام) بیشتر در مرو بود اما متون مناظرات وی که به‌دست شاگردان کوفی تدوین شد در محیط‌های علمی کوفه دست به دست گشت و باعث ارتقای مباحث کلامی و عقلانی شیعه شد (مومن، 1365: 180).

8- امام محمد تقی (علیه السلام) و بازسازی نهاد علمی کوفه

با شهادت امام رضا (علیه السلام)، گروهی از محدثان شیعه کوفی مأمور شدند جریان حدیثی مربوط به امام جواد (علیه السلام) را سامان دهند؛ این دوره معاصر با رشد انتقال دانش از مدینه به عراق بود. از راویان فعال در انتقال میراث امام جواد (علیه السلام)، فیض بن مختار و عبدالعظیم حسنی بودند؛ روایت‌های آنان در شکل‌دهی به فقه شیعی در کوفه نقش داشت (المفید، 1413: 399).

8-1- تقویت و تحکیم جایگاه حدیث در کوفه

اقدامات هدفمند امام جواد (علیه السلام) برای تقویت جایگاه حدیث در کوفه به اشکال مختلف گزارش شده است از جمله کلینی نقل می‌کند که ایشان به‌طور مستقیم برخی از شاگردان کوفی خود را در تحلیل مسائل مستحدثه راهنمایی می‌کرد (الکلینی، 1407: ۵۰۲/۱).

9- امام علی النقی (علیه السلام) و هدایت سیاسی - فکری جریان علمی و فقهی شیعی در کوفه

دوره امام هادی (علیه السلام) مصادف با نفوذ گسترده بازرسان عباسی و فشار امنیتی بود؛ با این حال امام از طریق وکلای خود در کوفه، جریان فقهی و اجتماعی شیعه را هدایت می‌کرد. در این راستا بسیاری از اصولیان و متکلمان کوفی مانند ابراهیم بن هاشم - نخستین کسی که حدیث کوفی را وارد قم کرد - از هدایت فکری امام بهره‌مند بودند (الطوسی، 1404: 31).

9-1- روشنگری علمی و نشر دانش

امام هادی (علیه السلام) نیز همچون پدر و اجداد بزرگوارش مواجه با ظلم خلفای ستمکار بود؛ از جمله متوکل عباسی که دستور داد خانه ایشان در مدینه تفتیش شود اما چیزی جز قرآن و ادعیه یافت نشد (ابن الجوزی، 1418: 322). با وجود مراقبت شدید امام در برخی موارد از طریق نامه به ارشاد و تربیت یاران خود اقدام نمود. گاه که به مناظره‌های علمی دعوت می‌شد از این فرصت کمال استفاده را می‌نمود؛ از جمله در موردی سوالات ابن سکیت را که به دستور متوکل از او پرسید به خوبی پاسخ داد (ابن شهر آشوب، 1405: 40/4)؛ همچنین یحیی بن اکثم به منظور اشکال تراشی، مسائلی را از امام پرسید و ایشان نیز به تفصیل پاسخ داد (الحرانی، بدون: 563-570). به همین سبب یحیی بن اکثم به متوکل گفت: "از این پس دوست ندارم از این مرد چیزی پرسیده شود زیرا وقتی دانش وی آشکار گردد، رافضیان تقویت خواهند شد" (ابن شهر آشوب، 1405: 405).

9-2- مبارزه با غلو و غالیگری

جریان غالیگری برای موجه نشان دادن عقاید و اندیشه‌های خود مردم را فریب می‌دادند و خود را به امامان شیعه منتسب می‌کردند، اما ائمه با استفاده از هر فرصتی که دست می‌داد ارتباط خود و شیعیان را با این جریان رد می‌کردند، چون سکوت آن بزرگواران در برابر این اندیشه‌ها برای دین اسلام خطرناک بود و ممکن بود مردم ناآگاه را به امامان شیعه هم بدگمان کند. (صفری فروشانی، 1378: 310) یکی از خطرناک‌ترین جریان‌های فکری عصر امام هادی (علیه السلام) غالیگری بود؛ هویت اعتدالی جریان علمی کوفه در عصر ایشان با چالش جدی غالیان مواجه شده بود زیرا کوفه یکی از مهم‌ترین مراکز غالیان بود؛ با اقدامات امام این چالش رفع گردید؛ ایشان به این منظور با صدور نوشته‌هایی خطاب به شیعیان کوفی، برخی از چهره‌های غالی همچون ابوالخطابه را طرد کرد (نجاشی، 1365: 289).

10- امام حسن عسکری (علیه السلام) و ایجاد ارتباط میراث کوفی و قم

برای ایجاد ارتباط بین امامان شیعه و پیروانشان در مناطق مختلف شبکه وسیعی سازمان‌دهی شد و امام صادق (ع) و ائمه بزرگوار پس از ایشان وکلای خود را در این مناطق تعیین کردند، که نام و نوع فعالیت آنان در منابع تاریخی ذکر شده است. (جباری، 1382: 411) گفتنی است امام عسکری (علیه السلام) با وجود این که تحت مراقبت دائمی و بسیار شدید قرار داشت، اما از طریق کنترل شبکه وکالت و تقویت جریان حدیثی، زمینه ارتباط میراث کوفه به قم را فراهم کرد؛ امری که کلیدی‌ترین تحول در تاریخ علم شیعه بود. گزارش شده است که امام عسکری (علیه السلام) نامه‌هایی خطاب به بزرگان کوفه نگاشت که شامل توصیه‌های فقهی، اخلاقی و اجتماعی بود (الصدوق، 1375: 590).

پی‌نوشت‌ها

1- ناهمگونی اعراب در شهر کوفه از همان ابتدای اقامت آنان مسئله ساز بود؛ البته سعد بن ابی‌وقاص تلاش نمود تا این معضل را رفع نماید از جمله طبقه بندی وسیع‌تر نزاری (اعراب شمالی) و یمنی (اعراب جنوبی) را پیشنهاد کرد. وی هر کدام از این دو گروه را در محل خاصی در کوفه مستقر نمود؛ بدین سان که نزاری‌ها را در غرب و یمنی‌ها را در شرق کوفه جای داد (الحموی 1376: 4/322). این تقسیم بندی جمعیتی در ادامه با موفقیت همراه نبود زیرا این قبایل مختلف نزاری و یمنی با یکدیگر وحدت و انسجام نیافتند

2- امام علی (علیه السلام) در خطبه معروف قاصعه، جامعه خویش را مانند جامعه دوران جاهلی می‌شمارد و می‌فرماید: "هان! بدانید که شما رشته-پیوند با- اسلام را گسستید و حدود آن را شکستید و احکام آن را کار نبستید" (نهج البلاغه، 1384: 397-398).

3- در ابتدای خلافت امام حسن (علیه السلام) در کوفه ابتدا برخی اقشار مردم با ایشان بیعت همراهی نمودند؛ از حمله مردم حجاز و یمن (آل یاسین، 1412: 85)؛ ولی با قدرت طلبی معاویه و خیانت برخی از اشراف کوفه که به دلیل سودجویی‌های شخصی به هر کاری حتی خلاف مصالح مسلمانان دست می‌زدند این خلافت تنها چند ماه طول کشید.

4- کلینی در کتاب کافی، بخش اعظم این میراث علمی را ثبت کرده است که نشان‌دهنده سازماندهی و کارکرد موفق این شبکه است.

نتیجه‌گیری

کوفه از نظر موقعیت جغرافیایی به دلیل نزدیکی به مرزهای ایران و قرارگیری در مسیر تجارت، در قرون نخست محلی برای تبادل نظر و فرهنگ بوده است؛ این بستر چندلایه و منحصر بفرد در شهرهای خلافت اسلامی، آمادگی پذیرش ایده‌های جدید و دریافت چارچوب‌های فکری را فراهم نمود تا بتواند این کثرت را ذیل یک مفهوم واحد (تمدنی با محوریت توحید) سامان دهد. در آن ادوار کوفه یکی از بزرگ‌ترین مراکز تولید دانش اسلامی در حوزه‌های فقه، کلام، نحو، قرائت و حدیث بود؛ این شهر نه تنها پایگاه مهم شیعیان، بلکه محل تعامل جریان‌های مختلف معتزله، خوارج، و اهل حدیث نیز به‌شمار می‌رفت.

کوفه تحت هدایت اهل بیت (علیه السلام)، از یک پایگاه نظامی به کارگاه تولید اندیشه‌های بنیادین تمدنی ناب اسلامی تبدیل شد که پایداری و عمق فکری تمدن اسلامی را تضمین کرد. آموزه‌های امامان شیعه به‌ویژه در زمینه‌های عدالت، علم، اخلاق و تربیت، به مقدار قابل توجهی متمرکز در کوفه بود که مرکز فعالیت شیعیان بود و این آموزه‌ها در تکوین این تمدن نقشی بنیادین داشتند و نقش عظیمی در شکل‌گیری اندیشه‌ها، مکاتب فقهی، تفسیری و فلسفی ایفا کردند.

حضور امام علی (علیه السلام) به عنوان خلیفه و بنیان‌گذار مباحث فکری و تفکر تمدن ساز توحیدی سپس تعالیم عمیق علمی و فقهی امامان معصوم (علیه السلام)، به‌ویژه امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام)، این شهر را به قلب تپنده اندیشه شیعی و یکی از موتورهای محرک تمدن اسلامی تبدیل کرد. در حوزه ساختار اجتماعی تمدن اسلامی، آموزه‌های امام علی (علیه السلام) پایه تئوری عدالت اجتماعی، حقوق شهروندی و عقل‌گرایی حکومتی را بنا نهادند و مفاهیم عدالت اجتماعی، کرامت شهروندی و ضرورت نظارت عمومی را به عنوان یک آرمان ثابت فکری در تمدن اسلامی پایه ریزی نمود. در ادامه، آموزه‌های امام حسین (علیه السلام) با تبدیل شدن به الگوی مقاومت اخلاقی، مانع از پذیرش استبداد شد؛ سپس با تمرکز بر فعالیت‌های امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) و امامان پس از ایشان مشخص می‌شود که چگونه فقه جعفری، کلام عقل‌محور و نهاد آموزش غیرمتمرکز، ساختارهای فکری تمدن اسلامی را در طول قرون بعدی تثبیت و توسعه دادند؛ آن‌ها با هدایت شبکه وکالت، تربیت محدثان و متکلمان، مبارزه با انحرافات فکری، و تقویت سنت‌های علمی، کوفه را به مرکز اصلی تولید دانش شیعی و یک قطب تمدنی پایدار در جهان اسلام تبدیل کردند. این مجموعه اقدامات نه تنها منجر به شکل‌گیری اندیشه شیعی شد بلکه بستر رشد علوم اسلامی، از فقه تا فلسفه و نحو را نیز فراهم ساخت.

نکته مهم هدفمندی و شبکه‌ای بودن آموزه‌های تمدن ساز امامان در کوفه است چنان‌که آموزه‌های مبتنی بر عقل‌گرایی و عدالت که امام علی (علیه السلام) پایه‌ریزی کرده بود، در مناظرات کلامی شاگردان امام صادق (علیه السلام) در کوفه توسعه یافت و بنیان‌های مکاتب کلامی شیعه را استحکام بخشید. بدین سان فعالیت‌های امامان معصوم (علیهم السلام) تمدن ساز و علم محور بود زیرا با گروه‌ها و جریانات انحرافی عصر خود به مناظره و گفتگو پرداختند؛ دیدگاه‌های تفسیری، کلامی و فقهی راستین اسلام را بیان نمودند و انحراف فرقه‌ها و مذاهب دیگر را آشکار ساختند. آنان برای اصلاح فساد اجتماعی به تربیت اخلاقی و دینی جامعه نیز توجه بسیار داشتند و به منظور تثبیت و گسترش علوم خاندان رسالت، به آماده‌سازی یک نیروی راستین مدافع حقوق اهل‌بیت (علیهم السلام) پرداختند.

امامان از طریق نظارت بر حلقه‌های علمی، پرورش شاگردان کوفی، تنظیم میراث حدیثی و هدایت فکری جامعه شیعی نقش تعیین‌کننده‌ای در استمرار جایگاه کوفه داشتند؛ این کادر سازی علمی امامان معصوم در آن زمان و حتی قرون بعد شاگردانی را از کوفه به جهان اسلام تحویل نمود که خود از بزرگان دانش‌های گوناگون شده و هر یک سهم غیرقابل انکاری در تمدن اسلامی ایفا نمودند. بزرگان علم حدیث و رجال نظیر ابو عبیده عبدالله بن حماد، زراره بن اعین (که بیشترین روایات فقهی را نقل کرده است) و مؤمن طاق (از متکلمین بزرگ)، همگی از بستر علمی و فرهنگی کوفه برخاستند.

سرانجام این که کوفه در سایه هدایت امامان شیعه، تبدیل به کانونی شد که توانست ایده‌های بنیادین را به ساختارهای علمی و اجتماعی تبدیل کند و این ساختارها را با قدرت و دقت، به پیکره کلی تمدن اسلامی تزریق نماید؛ امری که اهمیت راهبردی این شهر را در تاریخ تفکر اسلامی غیرقابل انکار می‌سازد. در این راستا نقش آموزه‌های امامان شیعه در شهر کوفه، فراتر از تأثیرات کلامی و فقهی محلی بود و عملاً این تعلیم به‌مثابه منبع الهام و ساختارساز اصلی برای سه رکن تمدن اسلامی عمل کردند: نظریه عدالت اجتماعی، نظام‌مندسازی علوم دینی و ایجاد فرهنگ اعتراض اخلاقی.

بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان تمدن اسلامی را بر اساس تأثیرات کوفه به گروه‌های اصلی ذیل تقسیم کرد که توسط اهل بیت (علیه السلام) ایجاد و تقویت شدند:

الف- الگوی ساختار سیاسی - اخلاقی توسط امام علی (علیه السلام): تثبیت مبانی عملی و نظری دین در دل ساختار اجتماعی نوپای شهر کوفه با تعریف حکومت عادلانه مبتنی بر ولایت الهی و نفی تبعیض.

ب- هویت‌بخشی اعتراضی امام حسین (علیه السلام): تبدیل آموزه‌ها به نیروی محرکه برای ایستادگی در برابر ظلم و خلق هویت مبتنی بر شهادت و ایثار و حفظ شاکله درونی تمدن اسلامی از نهادینه شدن جاهلیت در قالب دینی.

3. نهادینه‌سازی علمی (امام سجاد (علیه السلام) و امامان پس از ایشان: تبدیل مفاهیم نظری به علوم مدون و صادرات دانش به سایر نقاط جهان اسلام، هم‌چنین توسعه نظام حقوقی پویا و مبتنی بر اجتهاد و دفاع عقلانی و منسجم از اصول عقیدتی عقلانی که ساختار علمی تمدن شیعی را برای قرون آینده تعریف کرد.

فهرست منابع

1-قرآن مجید.

2-نهج البلاغه، گرد آورنده سید رضی، ترجمه و شرح محمد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع)، 1384ش.

3-آلامدی التمیمی عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، مجموعه من کلمات و حکم الامام علی، تح: مهدي الرجالي، قم، دارالکتاب الاسلامی، 1426ه.

4-آل یاسین الرازی، صلح امام الحسن (ع)، بیروت، اعلمی، 1412ه.

5-ابراهیم حسن، حسن، تاریخ سیاسی اسلام از آغاز تا انقراض دولت اموی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، 1366ش.

6-ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیا التراث العربی، 1385ه/ 1965م.

7-ابن‌الجوزي عبدالرحمان بن علي، تذکره الخواص، قم، منشورات الشریف الرضی، 1418ه.

8-ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دارالاضواء، 1405ه.

9-ابن الفقیه الهمدانی ابوبکر احمد بن ابراهیم، مختصر البلدان، لیدن، 1302ه.

10-ابن الندیم محمد بن اسحاق، الفهرست، ترجمه رضا تجدد، تهران، چاپخانه بانک بازرگانی ایران، 1346ش.

11-الاربلي علي بن عيسي، كشف الغمة في معرفة الاثمة، تهران، اسلامیه، 1364ش.

12-الاصطخري ابو اسحق ابراهيم بن محمد، المسالك و الممالك، قاهره، 1961 م.

13-البغدادی احمد خطیب، تاریخ بغداد، القاهره، مطبعة السعادة، 1349ق.

14-البلاذري ابوالحسن احمد بن يحيى، فتوح البلدان، مصر، مكتبة التجارية الكبرى، 1350ه/ 1932م.

15-توین بی آرولد جوزف، تاریخ تمدن تحلیلی از تاریخ جهان از آغاز تا عصر حاضر، ترجمه یعقوب آژند، تهران، مولی، 1362ش.

- 16-الثقفي الكوفي ابو اسحاق ابراهيم بن محمد، الغارات، تحقيق عبد الزهراء الحسيني، بيروت، دار الاضواء، 1407هـ.
- 17- جباري محمد رضا، سازمان وكالت و نقش آن در عصر ائمه عليهم السلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1382ش.
- 18-جعفریان رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم السلام)، قم، نشر انصاریان، 1381ش.
- 19-الحرانی حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول (صلی الله علیه)، ترجمه احمد جنتی عطایی، تهران، اسلامیة.
- 20-الحر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، آل البيت (علیهم السلام)، 1414هـ.
- 21-الحسینی جلالی سید محمد رضا، جهاد الامام السجاد (علیه السلام)، قم، دارالحديث، 1418هـ.
- 22-دلشاد تهرانی مصطفی، تفسیر موضوعی نهج البلاغه، قم، دفتر نشر معارف، 1383ش.
- 23-رجایی فرهنگ، پدیده جهانی شدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، آگه، 1379ش.
- 24-السیوطی عبد الرحمن، تاریخ الخلفاء، بیروت، دار الکتب العلمیة، 1408هـ.
- 25-شاهرخی سید علاءالدین، "برآیند شیوه گفتمان امام رضا (ع) در توسعه علم و تمدن اسلامی در ایران"، مجموعه مقالات برتر همایش بین المللی امام علی ابن موسی الرضا (ع) و نهضت علمی، تمدنی جهان اسلام، مشهد، 1397ش.
- 26-شاهرخی سید علاءالدین، "جستاری در نقش شیعیان ایرانی کوفه در طول قرن اول هجری"، فصلنامه تاریخ، 17، 1389ش.
- 27-شاهرخی سید علاءالدین و بهرامی روح الله، "موالی در خلافت امام علی (ع)"، فصل نامه تاریخ اسلام و ایران، 1391ش.
- 28-الصدوق محمد بن علی بن بابویه قمی، الخصال، تصحیح علی اکبر ریاحی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1375ش.
- 29- صفری فروشانی نعمت الله، غالیان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، 1378ش.
- 30-الطبرسی ابومنصور احمد بن علی، الاحتجاج، ترجمه بهزاد جعفر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1381ش.
- 31-الطبري محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، بیروت، مؤسسةالاعلمي للمطبوعات، 1409هـ.
- 32-الطوسی ابی جعفر محمد بن حسن، الفهرست، تصحیح سید محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، نشریات المکتبه المرتضویه.
- 33-عقیقی بخشایشی عبدالرحیم، طبقات مفسران شیعه، قم، نشر نوید اسلام، 1371ش.
- 34-العلایی عبدالله، برترین هدف در برترین نهاد پرتوی از زندگی امام حسین (ع)، ترجمه محمد مهدی جعفری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1371ش.
- 35-غفاری نظام الدین احمد، شرح و ترجمه احتجاج طبرسی، تهران، نشر مرتضوی، 1323ش.
- 36-الکشی محمد بن عمر، اختیار معرفه الرجال، تلخیص محمد بن حسن طوسی، مشهد، مرکز تحقیقات و مطالعات، 1348ش.
- 37-الکلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیة، 1407هـ.
- 38-ماسینیون لويس، خطط الکوفه و شرح خریطتها، ترجمه تقی المصعبي، صیدا، 1939م.
- 39-محرمی غلامحسین، سیره ائمه اطهار در برخورد با اندیشه های مخالف، قم، پرتو ولایت، 1388ش.
- 40-المسعودي ابوالحسن علي بن حسين، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم، دارالهجرة، 1409هـ.
- 41-مطهری مرتضی، حماسه حسینی، تهران، صدرا، ۱۳۸۰ش.
- 42-المفید محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، آل البيت (علیهم السلام)، 1413هـ.

- 43-المفيد محمد بن نعمان، الاختصاص، قم، كنزها شيخ مفيد، 1413هـ.
- 44-المقدسي مطهر بن طاهر البداء و التاريخ، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية، 1413هـ.
- 45-مؤمن موجان، آشنایى با فرق و مذاهب اسلامى، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، 1365ش.
- 46-الياقوت الحموى شهاب الدين ابو عبد الله، المعجم البلدان، بيروت، 1376هـ.
- 47-النجاشي احمد بن علي، رجال النجاشي، تحقيق موسى شبيري زنجاني، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، 1365هـ.
- 48-هاينس هالم، تشيع، ترجمه محمد تقى اكبرى، تهران، دانشگاه اديان و مذاهب، 1385ش.
- 49-اليقوبي ابن واضح، تاريخ اليعقوبي، بيروت، دار صادر.
- 50- محمود، فواز حماد، موقف النجف الاشرف من السياسة العثمانية (1850-1914)، مجلة واسط للعلوم الانسانية، 2022، مجلد 18 عدد 2، DOI: <https://doi.org/10.31185/Vol18.Iss51.251>
- 2- 51- الخاقاني، حسن جاسم محمد حسين، الكوفة موطن التشيع، والثورات إبان الحكم الاموي في الدراسات الاستشرافية، 2019، مجلة لارك للفلسفة واللسانيات والعلوم الاجتماعية العدد 34 . DOI: <https://doi.org/10.31185/lark.Vol3.Iss34.1095>

3- References

- Durkheim, Émile. The Elementary Forms of Religious Life. New York: Free Press. 1961.
- Nasr, S. H. Islamic Philosophy from its Origin to Present. London: SUNY Press. 1987.
- Toynbee, Arnold J. A Study of History (Abridged Edition). New York: Oxford University Press. 1972.
- 1- Glorious Qur'an.
- 2- Nahj al-Balagha, narrated by Sayyid Reza, translated and explained by Muhammad Dashti, Qom, Farhangi Foundation, Investigations of the Commander of the Faithful (peace be upon him), 1384 AH.
- 3- Al-Amdī Al-Tamīmī Abdul-Wahid, Gharral Al-Hakam wa Durar Al-Kalam, a collection of the words and wisdom of Imam Ali, ed.: Mahdi Al-Rijali, Qom, Dar Al-Kitab Al-Islami, 1426 AH.
- 4- Al-Yassin Al-Radi, peace agreement with Al-Hasan (peace be upon him), Beirut, Al-Alamy, 1412 AH.
- 5- Ibrahim Hassan, Hassan, Political History of Islam and the Conquests of the Extinction of the Umayyad State, translated by Abul-Qasim Bayandeh, Tehran, Javidan, 1366 AH.
- 6- Ibn Abi al-Hadid, Sharh Nahj al-Balaghah, edited by Muhammad Abu al-Fadl Ibrahim, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1385 AH/1965 CE.
- 7- Ibn al-Jawzi, Abd al-Rahman ibn Ali, Tadhkirat al-Khawass, Qom, Manshurat al-Sharif al-Radi, 1418 AH.

- 8- Ibn Shahr Ashub, Manaqib Aal Abi Talib, Beirut, Dar al-Adwa, 1405 AH.
- 9- Ibn al-Faqih al-Hamdani, Abu Bakr Ahmad ibn Ibrahim, Mukhtasar al-Buldan, Leiden, 1302 AH.
- 10- Ibn al-Nadim, Muhammad ibn Ishaq, al-Fihrist, translated by Reza Tajaddud, Tehran, Shapkhaneh Bank Bazargani Iran, 1346 SH.
- 11- Al-Arbali, Ali ibn Isa, Kashf al-Ghumma fi Ma'rifat al-A'imma, Tehran, Islamiyya, 1364 AH.
- 12- Al-Istakhri, Abu Ishaq Ibrahim ibn Muhammad, Al-Masalik wa al-Mamalik, Cairo, 1961 CE.
- 13- Al-Baghdadi, Ahmad Khatib, Tarikh al-Baghdad, Cairo, Matba'at al-Sa'ada, 1349 AH.
- 14- Al-Baladhuri, Abu al-Hasan Ahmad ibn Yahya, Futuh al-Buldan, Egypt, Maktabat al-Tijariyya al-Kubra, 1350 AH/1932 CE.
- 15- Toynbee, Arnold Joseph, Tarikh-e Tamaddun Tahlili az Tarikh-e Jahan az Aghaz ta 'Asr-e Hadir, translated by Ya'qub Azhand, Tehran, Mulla, 1362 AH.
- 16- Al-Thaqafi Al-Kufi Abu Ishaq Ibrahim bin Muhammad, Al-Gharat, edited by Abdul-Zahra' Al-Husseini, Beirut, Dar Al-Adwaa, 1407 AH.
- 17- Jafarian Rasoul, Intellectual and Political Life of Imam Shiites (peace be upon them), Qom, published by Ansarian, 1381 AH.
- 18- Al-Harrani Hassan bin Ali, Tuhaf al-Uqul narration from the family of the Messenger (may God bless him and grant him peace), translated by Ahmad Jannati Atayi, Tehran, Islamic.
- 19- Al-Hurr Ameli, Muhammad bin Hassan, Wasa'il Al-Shi'a, Qom, Al-Bayt (peace be upon them), 1414 AH.
- 20- Al-Husseini Jalali Sayyid Muhammad Reda, Jihad of Imam Al-Sajjad (peace be upon him), Qom, Dar Al-Hadith, 1418 AH.
- 21- Dilshad Tehrani Mustafa, Objective Interpretation Nahj al-Balagha, Qom, Ma'arif Publishing Book, 1383 AH.
- 22- Rajayi Farhang, Pedideh Jahani Shadan, translated by Abd al-Hussein Adharang, Tehran, Agha, 1379 AH.
- 23- Al-Suyuti Abd al-Rahman, History of the Caliphs, Beirut, Dar al-Kutub al-Ilmiyya, 1408 AH.
- 24- Shahrhi Seyyed Alaeddin, "The Exaltation of Imam Reza (peace be upon him) in the Expansion of Knowledge and Islamic Civilization in Iran," a collection of articles by Peter Hamish between the religious sects of Imam Ali Ibn Musa Reza (peace be upon him) and Nahdat Al-Ilmi, Tamdani Jahan Islam, Mashhad, 1397 AH.
- 25- Shaherkhi Sayyed Alaeddin, "Jastari on the Iranian Shiite inscription of Kufa throughout the first century AH", Chapter Name of History, 17, 1389 AH.
- 26- Shaherkhi Sayyid Alaeddin and Bahrami Ruhollah, "Mawali Dur Khalifat Imam Ali (peace be upon him)", chapter named "Tarikh Islam wal-Iran", 1391 AH.
- 27- Al-Saduq Muhammad bin Ali bin Babawayh Qomi, Al-Khasal, authenticated by Ali Akbar Riyahi, Tehran, Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah, 1375 AH.

- 28- Al-Tabarsi Abu Mansur Ahmad ibn Ali, *Al-Ihtijaj*, translated by Behzad Jaafar, Tehran, Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah, 1381 AH.
- 29- Al-Tabari Muhammad bin Jarir, *History of Nations and Kings*, Beirut, Al-Alami Publications Foundation, 1409 AH.
- 30- Al-Tusi Abi Jaafar Muhammad bin Hassan, *Al-Fahrist*, edited by Sayyid Muhammad Sadiq Al Bahr Al-Ulum, Najaf, Al-Murtazawiiya Library Publications.
- 31- Aqiqi Bakhshayshi Abd al-Rahim, *Tabaqat of Shiite commentators*, Qom, published by Navid Islam, 1371 AH.
- 32- Al-Alayli Abdullah, *Part Two of the Hadith in Part One of Nihad Partavi of Zandiki Imam Hussein (peace be upon him)*, translated by Muhammad Mahdi Jafari, Tehran, Zarat Farhang and Islamic Irshad, 1371 AH.
- 33- Ghafari Nizam al-Din Ahmad, *explanation and translation of Tabarsi's Protest*, Tehran, published by Mortazavi, 1323 AH.
- 34- Al-Kashi Muhammad bin Omar, *Ikhtiyar Ma'rifat al-Rijal*, summary of Muhammad bin Hassan Tusi, Mashhad, Center for Investigations and Studies, 1348 AH.
- 35- Al-Kulayni Muhammad bin Yaqoub, *Usul Al-Kafi*, Tehran, Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah, 1407 AH.
- 36- Massignon Lewis, *Plans of Kufa and Explanation of its Map*, translated by Taqi al-Massabi, Sidon, 1939 AD.
- 37- Muharrami Gholamhossein, *Biography of the Imams of Purification in Barkhord Ba Andisheh Hai Mukhallaf*, Qom, Perto Velayat, 1388 AH.
- 38- Al-Mas'udi, Abu al-Hasan Ali ibn Husayn, *Muruj al-Dhahab wa Ma'adin al-Jawhar*, Qom, Dar al-Hijrah, 1409 AH.
- 39- Mutahhari, Murtada, *Hamasa Husayni*, Tehran, Sadra, 1380 SH.
- 40- Al-Mufid, Muhammad ibn Nu'man, *Al-Irshad fi Ma'rifat Hujaj Allah 'ala al-'Ibad*, Qom, Aal al-Bayt (peace be upon them), 1413 AH.
- 41- Al-Mufid, Muhammad ibn Nu'man, *Al-Ikhtisas*, Qom, Kungareh Shaykh Mufid, 1413 AH.
- 42- Al-Muqaddasi, Mutahhar ibn Tahir, *Al-Bad' wa al-Tarikh*, Cairo, Maktabat al-Thaqafa al-Diniyya, 1413 AH. 43-Momen Mojjan, *Ashnayi Ba sects and Islamic schools of thought*, Tehran, Farhang-e-Islami publication book, 1365 AH.
- 44- Al-Yaqut Al-Hamawi, Shihab Al-Din Abu Abdullah, *Al-Mu'jam Al-Buldan*, Beirut, 1376 AH.
- 45- Al-Najashi Ahmad bin Ali, *Men of the Negus*, edited by Musa Shabiri Zanjani, Qom, Islamic Publishing Foundation, 1365 AH.
- 46- Haynes Halm, *Shiism*, translated by Muhammad Taqi Akbari, Tehran, Danshgah Religions and Doctrines, 1385 AH.

47-Al-Yaqubi Ibn Wadh, History of Al-Yaqubi, Beirut, Dar Sader.

48- Mahmoud, Fawaz Hammad, The Position of Najaf Al-Ashraf on Ottoman Policy (1850-1914), Wasit Journal of Human Sciences, 2022, Volume 18, Issue 2, DOI: <https://doi.org/10.31185/.Vol18.Iss51.251>

49- Al-Khaqani, Hassan Jassim Muhammad Hussein, Kufa: The Cradle of Shi'ism, and the Revolts During the Umayyad Rule in Orientalist Studies, 2019, Lark Journal of Philosophy, Linguistics, and Social Sciences, Issue 34, DOI: <https://doi.org/10.31185/lark.Vol3.Iss34.1095>